

بررسی تطبیقی فرایندهای آوایی و واجی در گویش بختیاری با فارسی دری

۱- محمد تقی فاضلی*، ۲- عبدالعزیز موحدنساج

۱- استادیار گروه تاریخ، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران

۲- استادیار گروه تاریخ، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران.

چکیده:

بشر برای انتقال و اخذ پیام و ایجاد ارتباط با همنوعان خود از وسیله ای به نام زبان استفاده کرده است. زبان مهمترین وسیله و ابزار ارتباط به شمار می آید و زبان به عنوان نهاد اجتماعی است. بدین معنی که افراد یک اجتماع به منظور آگاهی از مقاصد و نیات یکدیگر و برقراری ارتباط با همدیگر عناصر آن را برقرار کرده اند، به عبارت دیگر نقش و وظیفه ای آن در همه ی اجتماع یکسان است، شکل آن الزاماً در همه ی جوامع یکسان نیست نحوه ی عمل آن در همه ی اجتماع با اجتماع دیگر آشکارا تفاوت دارد، از نظر زبانشناسان عوامل جغرافیایی و اجتماعی در پیدایش گویش ها موثرند. از آنجا که در بسیاری از گویش ها و لهجه ها تغییرات و تحولات زبانی یکسان نیست. مثلاً تحولات زبانی در زبان معیار؛ فارسی تهرانی در مرکز سرریعترا از سایر گویش های ایرانی که در مناطق جغرافیایی دور افتاده مانند بختیاری و لری و دزفولی و غیره صورت می گیرد. مردم خوزستان به یکی از گویش های ایرانی سخن می گویند که جزء گویش های جنوب غربی ایران محسوب می شود. مانند گویش های شوشتری-لری- لکی و ... در این جستار سعی شده است به بررسی فرایندهای واجی و آوایی و تبدیل و دگرگونی واج ها به واج های دیگر با توصیف به روش علمی در گویش بختیاری و مقایسه با فارسی دری (زبان

معیار) پرداخته شود. همچنین برخی از تحولات آوایی دیگر مطابق موازین زبان شناسی به این گویش پرداخته شده است، مانند: قلب- ابدال - افزایش- همگونی- ناهمگونی - و... . البته بررسی این فرایندها شاید بتواند بخشی از سیر تحولات زبان فارسی را بازگو نماید

واژه‌های کلیدی: زبان، فرایند آوایی (واجی)، گویش بختیاری

مقدمه

بشر برای انتقال و اخذ پیام و ایجاد ارتباط با هم‌نوعان خود از وسیله‌ای به نام زبان استفاده کرده است. زبان مهمترین وسیله‌ی ارتباط و ابزار ارتباط به شمار می‌آید و زبان به عنوان نهاد اجتماعی است. بدین معنی که افراد یک اجتماع به منظور آگاهی از مقاصد و نیت یکدیگر و برقراری ارتباط با همدیگر عناصر آن را برقرار کرده‌اند. زبان نه تنها وسیله‌ی ارتباطی بشر بلکه پایه‌ی اغلب نهادهای دیگر اجتماعی نیز می‌باشد. و به دلیل سرشت اجتماعی خود هماهنگی با اختلافات اجتماعات مختلف است. به عبارت دیگر این نهاد در همه‌ی اجتماعات بشری وجود دارد، نقش و وظیفه‌ی آن در همه‌ی اجتماع یکسان است، شکل آن الزاماً در همه‌ی جوامع یکسان نیست نحوه‌ی عمل آن در همه‌ی اجتماع با اجتماع دیگر آشکارا تفاوت دارد، اما گویش‌های ایرانی به عنوان زبان دوم در مقایسه با زبان اول (زبان معیار و اصلی) محسوب می‌شود. دری (رسمی و معیار) می‌باشند (باقری ۸۰، ۱۱-۱۳). که در حال حاضر با بررسی و تحقیقات زبان‌شناسان حدوداً ۱۵۰۰۰ گویش ایرانی در کشور وجود دارند که زیر مجموعه‌ی زبان فارسی (زبان معیار و رسمی) می‌باشند. که هنوز اطلس کاملی برایشان ترسیم نشده است. بدیهی است که از تاثیر زبان فارسی جدید به عنوان زبان معیار و رایج در مناطق مختلف جغرافیایی به جهت آموزش رسمی کودکان-نوجوانان و جوانان و همین‌طور دانشجویان و بی‌میلی گویشوران مختلف برای استفاده و کاربرد گویش بویژه نسل جوان تحصیل کرده قابل تأمل است. البته تاثیر رسانه‌های گروهی و ملی صدا و سیما تا تکنولوژی-های مدرن صوتی و تصویری مدرن هم در کمرنگ‌تر کردن گرایش عمومی گویشوران بویژه نسل تحصیل‌کرده بیشتر است. ولی نزد نسل تحصیل نکرده و بی سواد هنوز زبان و گویش اصیل و دست نخورده باقی مانده و این افراد به همان گویش در منطقه‌ی خود حرف می‌زنند.

لذا گویش بختیاری یکی از گویش‌های قدیمی این مرز و بوم است که تا به امروز نیز مورد استفاده گویشوران بسیاری قرار می‌گیرد. این گویش نیز مانند دیگر زبان‌ها و گویش‌های ایرانی زیر شاخه زبان ایرانی باستان است. به طور کلی گویش‌ها در بردارنده واژگان بی‌شماری از زبان‌های باستانی‌اند که ویژگی‌های آوایی این زبان‌ها را در خود حفظ کرده‌اند؛ بنابراین با بررسی ساختار آوایی این گویش‌ها، ضمن مقایسه آن با زبان فارسی می‌توان با واژگان زبان‌های باستانی بیشتر آشنا شد و به عبارتی آنها را حفظ و نگهداری کرد.

طرح مساله

از ابتدای آفرینش تا کنون زبان مهمترین ابزاری است که انسان برای برقراری ارتباط از آن استفاده می‌کند. زبان از ابتدا به این شکل نبوده و به دلایل گوناگون دگرگونی‌های فراوانی پذیرفته است و گویش‌ها و زبان‌های بسیاری از آن به وجود آمده‌اند ساختار آوایی گویش بختیاری از زبان‌های ایرانی باستان و میانه و فارسی تاثیر فراوانی پذیرفته است. در گویش بختیاری واج گونه‌هایی مشاهده می‌شود که با زبان فارسی تفاوت دارد. فرایندهای واجی موجود در گویش بختیاری به دلایل گوناگونی از جمله کم سواد گویشوران، ساده تر شدن واژه‌ها و رد پای به جا مانده از زبان‌های باستانی و میانه ایجاد شده است. تا کنون درباره گویش‌های جنوب غربی ایران توسط محققان داخلی و خارجی کارهایی انجام گرفته است. مثلاً کلنل لوریمر و لایارد درباره گویش بختیاری تحقیقاتی انجام داده‌اند و در داخل کشور هم تحقیقات محققان بومی نظیر مرحوم کیا، آساتوریان، پروفیسور وهمن، دکترزمریادیان، خانم دکتر کلباسی، و... در زمینه گویش ایرانی انجام شده است که به نوبه خود ارزشمند و قابل تقدیر می‌باشند در این پژوهش ساختار آوایی گویش بختیاری به منظور مقایسه با فارسی، از نظر ویژگی‌های آوایی و فرایندهای واجی مورد بررسی قرار می‌گیرد. به طور کلی برای بررسی دگرگونی‌های یک زبان یا گویش بررسی تحولات آن از آغاز پیدایش آن ضروری است. از آن جا که اثر مکتوبی از گذشته این گویش‌ها در دست نیست این بررسی با مقایسه گویش‌ها با زبانی صورت می‌گیرد که ویژگی‌ها و شباهت‌های یکسانی از نظر آوایی و معنایی و دستوری داشته باشند. از آن جا که زبان فارسی دارای این ویژگی‌های مشترک با بسیاری از

گوش هاست از آن استفاده می‌شود. در این پژوهش این مساله دنبال می‌شود که آیا رابطه و پیوندی میان ساختار آوایی و فرایندهای واجی گوش بختیاری با زبان فارسی (در تمامی دوره ها) وجود دارد یا خیر؟

محدوده جغرافیایی قوم بختیاری

«منطقه بختیاری در جنوب غربی ایران در امتداد در رشته کوه‌های زاگرس (زاگرس میانی) واقع شده است. این منطقه از شرق به استان اصفهان از شمال به استان اصفهان و لرستان، از جنوب به استان کهگیلویه و بویراحمر و از غرب به استان خوزستان محدود است.» (احمدیان، ۱۳۷۸، ۱۰-۱۵). به این ترتیب قلمرو بختیاری شهرستان‌های بسیاری را در برمی‌گیرد، از جمله فریدون شهر در اصفهان، الیگودرز در استان لرستان، دزفول، اندیمشک، مسجد سلیمان، لالی، ایذه و شوشتر در استان خوزستان، لردگان، بروجن، فارسان در استان چهارمحال بختیاری. با توجه به گستردگی قلمرو ایل بختیاری، منطقه سکونت این قوم به دو بخش ییلاقی و قشلاقی تقسیم می‌شود. بخش ییلاقی آن شامل شهرستان‌های فارسان، لردگان، بروجن، الیگودرز، داران، فریدون شهر و ... و بخش قشلاقی آن عبارت است از شهرستان‌های لالی، مسجد سلیمان، ایذه، شوشتر، اندیمشک و دزفول که به این ترتیب می‌توان به طور کلی استان خوزستان را منطقه قشلاقی قوم بختیاری دانست. (همان ۱۸)

گوش (Dialect)

اگر زبان را به صورت مجموعه‌ای در نظر بگیریم، گوش عضوی از این مجموعه است که صرف نظر از برخی تفاوت‌ها و تغییرها، تمامی ویژگی‌های زبان را در خود دارد. در تعریف گوش چنین می‌گویند: «نظام زبانی خاصی که در ناحیه جغرافیایی ویژه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد و از نظر دستوری و واژگانی با زبان معیار کاملاً متفاوت باشد به طوری بدون آموزش، درک آن مسیر نگردد. مانند گوش کردی، گوش آذری، گوش گیلکی.» (صفوی ۶۰، ۱۲، ۳۷، ۴۷) در این جا ممکن است برخی به اشتباه، گوش را با لهجه (accent) یکی بدانند؛ به این دلیل که گوش، همان طور که از تعاریف بر می‌آید، مانند زبان ساختار

آوایی، دستوری و واژگانی خاص خود را دارد در صورتی که لهجه تنها تفاوت آوایی میان دو گونهٔ زبانی است.

«گویش به تفاوت‌های لغوی، دستوری و تلفظی میان دو گونهٔ زبانی اطلاق می‌شود. به تفاوت‌های تلفظی میان گونه‌های زبانی نیز «لهجه» می‌گویند (سارلی ۷۸، ۲۱، ۱۰). گویش‌ها نیز همچون زبان‌ها در پی عوامل گوناگون و نیازهای جوامع به وجود آمده‌اند؛ عواملی مانند شرایط جغرافیایی، فرهنگی، سیاسی و غیره که موجب شده‌اند یک زبان در یک برهه از زمان در نقاط گوناگون به صورت جداگانه تحول یافته و موجب پدید آمدن گویش‌ها شده‌اند. با توجه به این که گویش‌ها زیر مجموعهٔ زبان‌ها شمرده می‌شوند و بدون شک از آن‌ها منشعب شده‌اند (همان ۲۱).

گویش‌شناسی (Dialectology)

گویش‌شناسی شاخه‌ای از علم زبان‌شناسی است که به بررسی و ماهیت و پراکندگی گونه‌های زبانی می‌پردازد (فاضلی ۸۵، ۳-۱۰).

بررسی دگرگونی‌های زبان‌ها و گویش‌ها

با گذشت زمان و تغییر زندگی انسان، زبان نیز دچار تغییر و تحول می‌شود. دانشمندان تغییرات زبان را در سطوح گوناگونی دسته‌بندی کرده‌اند، در این میان بهتر است ابتدا این سطوح گوناگون را شناخت و سپس به تحولات آن در این زمینه‌ها پرداخت.

به نوشتهٔ افراشی، نظام زبان از چهار نظام زیر تشکیل شده است که عبارتند از:

الف-نظام واجی

ب-نظام صرفی

پ-نظام نحوی نظام معنایی و کاربردی (افراشی ۶۸، ۲۳، ۲۵، ۸، ونک: زمردیان ۱۹، ۱۳، ۷۹،)

همانطور که پیش‌تر گفته شد، زبان با به وجود آمدن تحولات در زندگی انسان، خود نیز تغییر و دگرگونی‌های فراوانی پذیرفت. تحول ویژگی بسیار پر اهمیتی است که زبان‌های سراسر دنیا مشاهده می‌شود. زبان با توجه به موقعیت و نیاز انسان دچار دگرگونی می‌شود که این

دگرگونی‌ها در تمامی سطوح زبان روی می‌دهد. حال خیلی کوتاه به شرح این تحولات می‌پردازیم.

تحول در سطح آوایی زبان به چند دسته تقسیم می‌شود. همگونی (ابدال)، حذف واج‌ها (تخفیف)، افزایش واج‌ها و جابه‌جایی (قلب). سرعت تحولات آوایی بسیار کند است و معمولاً پس از گذر قرن‌ها آشکار می‌شود. (سارلی ۱۰۱، ۸۷، ۶۳).

گوش بختیاری

گوشی که قوم بختیاری با آن سخن می‌گوید، باز مانده زبان‌های ایرانی غربی است و از نظر آوایی با این زبان‌های بسیار نزدیک است به طوری که می‌توان نظام آوایی آن را با نظام آوایی فارسی میانه یکسان شمرد. برخی از زبان‌شناسان گوش‌های لری و بختیاری را در یک گروه قرار می‌دهند در صورتی که این دو گوش از بسیاری جهات با هم متفاوت‌اند. لایارد معتقد است: «بختیاری‌ها از بسیاری جهات با لره‌های خیلی تفاوت دارند و از لحاظ لهجه به فارسی زبانان نزدیک‌ترند. معمولاً یک بختیاری، به زحمت زبان یک فیلی را می‌فهمد.» (لایارد و همکاران ۷۱، ۳۶). در هر صورت گوش‌های لری و بختیاری نسبت به زمان‌های گذشته خود دگرگونی‌های زیادی نداشته‌اند و بر خلاف زبان فارسی که از هجوم واژگان عربی و ترکی و مغولی و ... هیچ‌گاه در امان نبوده، این گوش‌ها کمتر تغییر در خود دیده‌اند. دلیل این پیش آمد، موقعیت جغرافیایی و محل سکونت این اقوام بوده است که به این دلیل که در قسمت‌های کوهستانی و صعب‌العبور ساکن بوده‌اند از حملات مهاجمان در امان مانده‌اند. شایان ذکر است که برای مطالعه و بررسی برخی گوش‌ها از جمله گوش‌های لری و بختیاری و سیر دگرگونی آنها هیچ اثر مکتوبی از دوران گذشته آنها در دست نیست، تنها با مقایسه نظام آوایی بختیاری و لری با زبان‌های دوره باستان و دوره میانه این امر آشکار می‌شود که بسیاری از ویژگی‌های آوایی گذشتگان در این گوش‌ها حفظ شده است (همان ۱۰۱).

تعریف قوم

به گروهی از انسان‌ها که از نظر نژاد، زبان، فرهنگ و رسوم در طبقه‌ای همسان قرار دارند و معمولاً در یک محدوده جغرافیایی زندگی می‌کنند، قوم گفته می‌شود.

قوم لر (لر بزرگ «بختیاری» و لر کوچک)

لرها یکی از اقوام بزرگ ایرانی هستند که هزاران سال پیش وارد این سرزمین شدند. قوم لر به دو شاخه تقسیم می‌شود:

لر بزرگ

لر کوچک

لر بزرگ

«در جنوب قلمرو و فیلی، عشایر بختیاری، کهگیلویه و ممسنی قرار دارند» «بزرگ» را تشکیل می‌دهند. (همان). لرهای بزرگ را بختیاری‌ها در چهار محال بختیاری، اصفهان و خوزستان، لرهای کهگیلویه و بویراحمر و لرهای ممسنی در فارس تشکیل می‌دهند. بنابراین مشخص شد که قوم بختیاری شاخه‌ای است از قوم لر بزرگ، که در محدوده جغرافیایی مشخص زندگی می‌کند. با توجه به این که نگارنده خود متعلق به طایفه بابادی، یکی از بزرگ‌ترین شاخه‌های هفت لنگ است.

لر کوچک

«طوایفی که در قلمرو لر کوچک سکونت دارند به «الوار فیلی» شهرت دارند. اینان به دو قسمت «پیش‌کوه» و «پشت‌کوه» تقسیم می‌شوند و هر کدام از این دو شامل چند تیره و طایفه‌اند. (همان). لرهای کوچک در استان‌های لرستان، ایلام و شمال غرب خوزستان ساکن‌اند و از نظر گویش تفاوت آوایی تقریباً زیادی با لرهای بزرگ، به ویژه طایفه بابادی دارند. (همان ۱۰۱-۱۰۲) و (احمدیان ۱۸، ۷۸-۲۰)

ساختار آوایی بختیاری

الف) واکه‌ها: واکه‌های گویش بختیاری نیز همانند زبان فارسی به دو بخش واکه‌های ساده و واکه‌های مرکب تقسیم می‌شوند.

واکه‌های ساده عبارتند از: ā ī u a e o

واکه‌های مرکب عبارتند از: ay ey ao

rao kay eylāq
(برو) (کی) (بیلاق)

ب) همخوان ها: همخوان‌های این گویش عبارتند از :
.b,p, t, d, k, g, q, Ć, f, s, š, x, h, z, ž, m, n, r, l, y, (δ), v

رابطه ساختار آوایی بختیاری با زبان‌های باستان، میانه و جدید
واکه‌های ساده موجود در ساختار آوایی گویش بختیاری همه از دوره میانه به این گویش
رسیده‌اند.

واکه مرکب /ay/ نیز از واکه‌های زبان ایرانی باستان و فارسی باستان بوده است. همچنین واکه
مرکب /ao/ از زبان اوستایی در این گویش به جای مانده است.
همخوان /δ/ که ابتدا در زبان اوستایی مشاهده می‌شد و به دوره میانه و فارسی دری رسیده بود،
در این گویش موجود است.

دختر doðar

همخوان /δ/ نیز تنها در ابتدای واژه‌ها می‌آید و به صورت میانی و پایانی مشاهده نمی‌شود.
دیگر همخوان‌ها از دوره میانه به این گویش رسیده‌اند. (همان)

ویژگی‌های گویش بختیاری

در این گویش و به طور کلی در گویش‌های لری واج‌ها هرگز دارای تشدید نیستند. در واقع
مشدد ادا کردن واج‌ها یکی از ویژگی‌های زبان عربی است که وارد زبان فارسی شده است؛
این ویژگی در واژه‌های گویش بختیاری مشاهده نمی‌شود. مانند:

مکه make

گله gala

از دیگر ویژگی‌های این گویش این است که واکه‌های کوتاه (o-e-a) واج گونه‌هایی دارند
که حتی در برخی واژه‌ها نقش یک واج را دارند و ممیز محسوب می‌شوند. گاه طول کشش
این واکه‌ها از واکه‌های معیار کوتاه‌تر است و می‌توان گفت که به نصف طول کشش واکه‌های
معیار می‌رسد به گونه‌ای که تصور می‌شود بین دو همخوان واکه‌ای قرار دارند.
در مثال‌های زیر واکه اولی نسبت به واکه دوم بسیار کوتاه تر ادا می‌شود.

کره kara

بره bara

تره tara

این نکته نیز قابل توجه است که دگرگونی‌های آوایی که در زبان دری و زبان فارسی روی داده است بسیار بیشتر از دگرگونی به وجود آمده در گویش بختیاری است. به این ترتیب ساختار آوایی گویش بختیاری ریشه در زبان‌های دوره میانه و باستان دارد. (همان)

فرآیندهای واجی در گویش‌های لری و بختیاری

تغییراتی که بر روی واژه‌ها صورت گرفته است با عنوان «فرآیندهای واجی» مورد بررسی قرار می‌گیرند. «هر نوع دگرگونی را که روی نوع، محل و تعداد واج‌ها یا ساختمان هجا تاثیر بگذارد، «فرآیند واجی» (Phonemic process) می‌شماریم.» (باقری، ۷۸، ۱۲۶). مردم خوزستان به یکی از گویش‌های ایرانی سخن می‌گویند. که در گویش‌های جنوب غربی ایران قرار دارد ویژگی‌های واژگانی و ساختی بسیار در گویش‌های بختیاری یافت می‌شود یکی از این ویژگی‌ها ساختمان افعال، فرایند واجی است در این مقاله سعی شده است با فارسی معیار مقایسه و با روش علمی توصیف شود. اتفاقاً شباهت‌های جالبی هم میان ساختمان واژگان و گویش بختیاری و ساختمان واژگان در فارسی میانه یافت می‌شود به عنوان شاهد و نمونه آورده شده است. شاید بررسی آن‌ها بتواند گوشه‌ای دیگر از سیر تحول زبان فارسی را بازگو نماید نمونه‌هایی از تحولات آوایی گوناگون مانند ۱- همگون‌سازی ۲- ناهمگون‌سازی ۳- قلب ۴- ادغام ۵- حذف ۶- افزایش ۷- ابدال، و..... را در گویش بختیاری مورد بررسی قرار می‌دهیم: (باقری، ۸۰، ۱۹ - ۲۰) و برای اطلاعات بیشتر نک ابوالقاسمی، ۵، ۷۳-۱۹).

۱- همگون‌سازی

«همگون‌سازی (assimilation) عبارت از آن است که دو واج اعم از واکه یا همخوان و یا یک واکه و یک همخوان درون یک هجا یا یک واژه بر روی هم تاثیر پرداخته و با هم همگون و هم رنگ شوند.» گاه دو واج در کنار هم، از لحاظ شیوه‌ی تولید و یا جایگاه تولید با هم تفاوت

دارند و تلفظ آن‌ها در کنار هم دشوار است؛ پس برای راحت‌تر شدن تلفظ، یکی از آن‌ها به واج دیگری تبدیل می‌شود و از لحاظ جایگاه تولید یا شیوه تولید با واج کنار خود همگون می‌شود. (همان، ۷۸)

● واج دولبی /b/ در کنار واج خیشومی /n/ بر روی آن تاثیر می‌گذارد و آن را به واج خیشومی دولبی /m/ تبدیل می‌کند.

لری (آوانوشت)	بختیاری (آوانوشت)	فارسی معیار (آوانوشت)
ambâr	ambâr	انبار anbâr
hambon	hambo	انبان anbân
ambor	ambor	انبر anbor

● واج خیشومی /n/ در مجاورت واج کناری /l/ خصوصیت خیشومی خود را از دست می‌دهد و به واج کناری /l/ تبدیل می‌شود.

همگون‌سازی /b/ و /n/

لری	بختیاری	فارسی معیار
loblân	loblân	لبنان lobnân
lilafar	lilafar	نیلوفر nilufar

● واج نرم کامی - انسدادی /q/ گاه در مجاورت دو واج سایشی /s/ و /š/ خصوصیت انسدادی خود را از دست می‌دهد و به واج نرم کامی - سایشی /x/ تبدیل می‌شود.

لری	بختیاری	فارسی معیار
raxs	raxs	رقص raqs
maxš	maxš	مشق mašq

● واج /ž/ واک داراست، گاه در کنار واج بی‌واک /p/ با آن همگون می‌شود و خصوصیت واک داری خود را از دست می‌دهد و به واج بی‌واک /š/ تبدیل می‌شود.

لری	بختیاری	فارسی معیار
pašmorda	pešmâlo	پژمرده pažmorde

ناهمگون سازی (Dissimilation)

«ناهمگون سازی نیز یکی دیگر از فرایندهای واجی است که بر اثر آن دو واج یک رنگ یا یکسان در یک هجا و یا یک واژه به صورت دو واج ناهمسان و ناهمگون در می آیند. این تأثیر را دگرگون سازی یا تباعد نیز می نامند». (همان) گاه در واژه هایی که واکه /e/ در مجاورت یا پس از واکه /ī/ که با آن همگون است قرار می گیرد تبدیل به /a/ می شود.

فارسی معیار (آوانوشت)	آوانوشت فارسی	آوانوشت بختیاری ولری
پونه	pune	pīvīna
دیمه	dīme	dīma

گاه دو واج که از نظر شیوهی تولید یا جایگاه تولید با هم همگون هستند؛ اگر در کنار هم قرار بگیرند تلفظ آن‌ها دشوار است؛ لذا برای آسان تر شدن تلفظ، آن دو واج با هم ناهمگون می شوند.

● واج دولبی و خیشومی /m/ در مجاورت با واج دولبی /b/ گاه به واج خیشومی /n/ تبدیل می شود و خصوصیت دولبی خود را از دست می دهد و دو واج باهم ناهمگون می شوند.

فارسی معیار (آوانوشت)	بختیاری (آوانوشت)	لری (آوانوشت)
پشت بام poštebâm	poštebon	poštebon
روی بام ruyebâm	ribun	ribun

● واکه ی /e/ که با واکه ی پیش از خود /i/ همگون است، گاه دچار تغییر می شود و به واکه ی /a/ تبدیل می شود.

فارسی معیار (آوانوشت)	بختیاری (آوانوشت)	لری (آوانوشت)
ریزه	riza	riza
سینه	sina	sina

● واج /k/ بی‌واک است. اگر در کنار واج /f/ و /š/ قرار بگیرد، که هر دو بی‌واک هستند، خصوصیت بی‌واکی خود را از دست می‌دهد و به واج واک دار /g/ تبدیل می‌شود و با آن ناهمگون می‌شود.

فارسی معیار	بختیاری	لری
شکر	šorg	šorg
شکل	šekl	šelg
فکر	fekr	ferg

● واج سایشی /x/ در کنار واج سایشی /š/ با آن ناهمگون می‌شود و به واج انسدادی /k/ تبدیل می‌شود.

فارسی معیار	بختیاری	لری
پخش	paxš	pešk

قلب (Metathesis)

قلب جابه‌جایی واج‌ها در یک واژه است. «گاهی ممکن است دو واج اعم از نزدیک یا دور از هم در یک واژه جای خود را با هم عوض کنند؛ این جابه‌جایی دو واج در یک واژه را قلب گویند که خود بر دو نوع است: قلب دور و قلب نزدیک.» (همان) در این جا قلب دور و قلب نزدیک به طور جداگانه شرح داده می‌شود و انواع قلب ناشی از این فرایند بیان خواهد شد. (باقری، ۷۸، ۱۲۶، ۱۲۷).

قلب نزدیک

قلب نزدیک هنگامی صورت می‌گیرد که دو واجی که جا به جا می‌شوند در کنار هم قرار گرفته باشند و فاصله‌ای با هم نداشته باشند. یند قلب در بسیاری از واژه‌های تک‌هجایی عربی

که وارد گویش بختیاری شده اند نیز صورت گرفته است. در این جا به ذکر برخی از این واژه‌ها می‌پردازیم.

الف) فرایند قلب در واژه‌های تک‌هجایی عربی که با واج /r/ پایان می‌پذیرند.

واژه فارسی معیار	آوانوشت فارسی	آوانوشت بختیاری ولری
شکر	šokr	šorg
صفر	sefr	serf

فرایند قلب در واژه‌های عربی که با واج /l/ پایان می‌پذیرند.

واژه فارسی معیار	آوانوشت فارسی	آوانوشت بختیاری ولری
سطل	satl	salt
شکل	šekl	šelg

● برخی واژه‌های تک‌هجایی گویش‌های لری و بختیاری نیز دچار فرآیند قلب شده‌اند.

فارسی معیار (آوانوشت)	بختیاری (آوانوشت)	لری (آوانوشت)
بخش baxš	bašx	bašx
پخش paxš	pešk	pešk

● فرآیند قلب نزدیک علاوه بر واژه‌های تک‌هجایی در واژه‌های چندهجایی نیز رخ می‌دهد.

فارسی معیار (آوانوشت)	بختیاری (آوانوشت)	لری (آوانوشت)
ارواح arvâh	aorâ	aorâ
اشرفی ašrafî	aršafi	aršafi

قلب دور

هنگامی که واج‌های جابه‌جا شده در واژه، از هم دور باشند یا به عبارتی جابه‌جایی در واج‌هایی که با هم فاصله دارند صورت پذیرد، قلب دور روی داده است.

واژه فارسی معیار	آوانوشت فارسی	آوانوشت بختیاری ولری
لعنت	Laanat	nahlat

فارسی معیار (آوانوشت)	بختیاری (آوانوشت)	لری (آوانوشت)
	-	-
غربال qarbâl	qalebâr	qalbir
قلیان qelyân	qaylon	qaylun

● ادغام

«یکی دیگر از فرآیندهای واجی ادغام شدن خصوصیات دو واج در یکدیگر و تبدیل دو واج به یک واج است.» (باقری، ۷۸، ۱۲۹)

در ادغام معمولاً دو واج نزدیک به هم که خصوصیات یکسانی دارند، در هم ادغام می‌شوند و به یک واج تبدیل می‌شوند.

● هر گاه دو همخوان /d/ و /t/ در مجاورت هم قرار بگیرند، بر روی هم تاثیر گذاشته و در هم ادغام می‌شوند و به یک همخوان /d/ یا /t/ تبدیل می‌شوند.

فارسی معیار (آوانوشت)	بختیاری (آوانوشت)	لری (آوانوشت)
بدتر badtar	batar	batar
بدترین badtarin	batarin	batarin
بلندتر bolandtar	bolantar	bolantar

● آمدن همخوان‌های /j/ و /č/ در کنار هم یا آمدن دو همخوان /r/ در مجاورت هم نیز فرآیند ادغام را ایجاد می‌کند.

فارسی معیار (آوانوشت)	بختیاری (آوانوشت)	لری (آوانوشت)
هر روز har ruz	haru	haru
هیچ جا hič jâ	hijâ	hijâ

حذف (Deletion)

«در تعریف واج گفته می‌شود کوچک‌ترین واحد صوتی ممیز معنی، لذا در بعضی از واژه‌ها، واج‌هایی که از جهت تمایز معنایی نقشی بر عهده ندارند حذف می‌گردند.» (همان) در گویش بختیاری نیز همانند فارسی معیار، فرایند حذف در سه جای واژه روی می‌دهد. بنابراین ما با سه گونه حذف روبه‌رو هستیم که عبارتند از:

(۱) حذف آغازی (۲) حذف میانی (۳) حذف پایانی

به عبارت دیگر در بعضی از واژه‌ها واج‌هایی که از جهت تمایز معنایی نقشی به عهده ندارند حذف می‌گردند.» (همان) گفتنی است در گویش‌های ایرانی، حذف واج شتاب بیشتری نسبت به زبان فارسی دارد. در گویش‌های لری و بختیاری نیز همچون زبان فارسی گاه یک واژه دچار فرآیند حذف می‌شود؛ و یک واج یا یک هجا از آن حذف می‌شود. (همان ۱۲۹-۱۳۰)

حذف در گویش‌های لری و بختیاری به سه نوع صورت می‌گیرد:

• حذف اول (آغازی)

گاه در آغاز کلمه یک هجا حذف می‌شود؛ هجایی که شامل یک همخوان و یک واکه است. گاه نیز یک واج از آغاز واژه حذف می‌شود.

واژه فارسی معیار	آوانوشت فارسی	آوانوشت بختیاری و لری
آتش	ātaš	taš
اتفاق	etefāq	Tafāq
پگاه	ga	ga
شکم	šekam	kom

• حذف وسط (میانی) حذف میانی

هنگامی که واجی از میان واژه حذف می‌شود، می‌گوییم حذف میانی روی داده است. واج حذف شده ممکن است همخوان یا واکه باشد. در این قسمت همخوان‌هایی که از میان واژه حذف می‌شوند هر کدام در جدول جداگانه‌ای ذکر می‌شوند.

این همخوان‌ها عبارتند از: /q/, /g/, /y/, /n/, /d/, /b/, /f/, /t/, /h/،

همخوان‌ها در گویش بختیاری هرگاه پس از واکه بیاید حذف می‌شود و واکه پیش از آن کشیده‌تر ادا می‌شود.

واژه فارسی معیار	آوانوشت فارسی	آوانوشت بختیاری ولری
اعتقاد	eteqād	etqāt
اعتنا	etenā	etnā

به عبارت دیگر منظور از حذف وسط، حذف یک واج - اعم از واکه یا همخوان - از وسط واژه است.

همخوان‌هایی که از وسط واژه‌ها حذف می‌شوند عبارتند از:

فارسی معیار	بختیاری (آوانوشت)	لری (آوانوشت)
معلق ala q mo	mala:q	mala:q
ملانکه mala ke	malâka	malâka
ظهر zohr	zor	zor

• حذف همخوان /t/

همخوان /t/ معمولاً پس از همخوان /s/ حذف می‌شود.

فارسی معیار (آوانوشت)	بختیاری (آوانوشت)	لری (آوانوشت)
آبستن âbestan	aovesa	aosan

- گاه همخوان /t/ پس از همخوان‌های /l/، /š/ و /f/ نیز حذف می‌شود.

حذف همخوان /g/

همخوان /g/ نیز گاه به همراه واکه‌ی پس از خود از وسط واژه حذف می‌شود.

فارسی معیار (آوانوشت)	بختیاری (آوانوشت)	لری (آوانوشت)
اگر agar	ar	ar
مگر magari	mar	mar

- همخوان‌های /x/، /p/، /r/، /v/، /č/، /s/ و /z/ نیز گاه در وسط یک واژه حذف می‌شوند که در جدول زیر به ترتیب آمده‌اند.

فارسی معیار (آوانوشت)	بختیاری (آوانوشت)	لری (آوانوشت)
تخم toxm	tom	tim
شخم šoxm	šom	šom

• حذف آخر (پایانی)

گاه یک واج - اعم از همخوان یا واکه - یا یک هجا از پایان واژه حذف می‌شود که عبارتند از:

حذف همخوان /d/

همخوان /d/ معمولاً در پایان واژه حذف می‌شود. معمولاً این حذف پس از واکه‌های /â/، /a/، /i/ و /u/ یا پس از همخوان‌های /n/ و /z/ صورت می‌گیرد.

• حذف همخوان /d/ پس از واکه‌ی /â/

فارسی معیار (آوانوشت)	بختیاری (آوانوشت)	لری (آوانوشت)
استاد ostâd	osâ	?osâ
باد bâd	bâ	bâ
داماد dâmâd	domâ	domâ

• حذف همخوان /d/ پس از واکه‌ی /i/

فارسی معیار (آوانوشت)	بختیاری (آوانوشت)	لری (آوانوشت)
آفرید âfarid	âferi	âfari

● حذف همخوان /d/ پس از واکه‌ی /u/ و ابدال /u/ به /i/ در برخی مواقع

فارسی معیار (آوانوشت)	بختیاری (آوانوشت)	لری (آوانوشت)
بود bud	bi	bi
دود dud	di	di

افزایش (Addition)

افزایش از دیگر فرایندهای واجی است که همانند فرایند حذف در آغاز، میان و پایان واژه صورت می‌پذیرد. این فرایند هنگامی روی می‌دهد که یک واکه یا یک همخوان به واژه افزوده شود.

افزایش آغازی:

واژه‌های گویش بختیاری نیز همانند واژه‌های زبان فارسی همواره با یک همخوان آغاز می‌شوند و هیچ واژه ای نیست که با واکه شروع شود؛ بنابراین هرگاه به ظاهر واژه‌ای با واکه آغاز شود به ابتدای آن یک همخوان افزوده می‌شود. ۱. (باقری ۷۸، ۱۳۲).

واژه فارسی معیار	آوانوشت فارسی	آوانوشت بختیاری ولری
ستاره	setāre	āstāre
ستاندن	setāndan	esteyden

افزایش میانی

افزودن یک همخوان در میان واژه

واژه فارسی معیار	آوانوشت فارسی	آوانوشت بختیاری ولری
پشه	paše	pašxe
جلیقه	jelīqe	jelezqa

^۱ درباره ی واژگاہ بختیاری نک واژه نامه سرلک، رضا. ۱۳۸۱ و مددی ظهرا، ۱۳۷۵.

افزودن یک واکه در میان واژه

واژه	آوانوشت فارسی	آوانوشت بختیاری
ترش	torš	toroš

افزایش پایانی

گاه افزایش در پایان واژه به صورت افزودن یک واکه، همخوان یا یک هجا روی می دهد.

افزایش همخوان به پایان واژه،

واژه فارسی معیار	آوانوشت فارسی	آوانوشت بختیاری ولری
تخمه	toxme	toxmak
جن	jen	jend

ابدال (Shift)

«گاهی در یک واژه یک واج به واج دیگر مبدل می شود بی آنکه بتوانیم برای آن در چهارچوب فرایند همگونی یا دگرگونی، توجیهی بیابیم.» در گویش بختیاری ابدال در سطح گسترده‌ای از واژگان صورت می پذیرد و از آن جا که این فرایند در همخوان‌ها و واکه‌ها روی می دهد تعداد بسیاری واژه مشاهده می شود که نیازی به ذکر کردن همه آنها نیست. (همان، ۱۳۲)

ابدال در واکه‌ها

گاهی در یک واژه یک واج به واج دیگری مبدل می شود بی آن که بتوانیم برای آن در چارچوب فرآیندهای همگونی یا دگرگونی توجیهی بیابیم. (باقری ۷۸، ۱۳۲-۱۳۳).

فرآیند ابدال در گویش‌های لری و بختیاری بسیار گسترده است و شامل ابدال واکه‌ها و همخوان‌هاست. مهمترین ابدال‌های این گویش‌ها عبارتند از:

● ابدال واکه‌ها

ابدال در واکه‌ی /â/

واکهی /â/ در گویش‌های لری و بختیاری کاربرد زیادی ندارد. گاهی به /a/ تبدیل می‌شود. هر گاه در یک هجا قبل از همخوان /b/ بیاید معمولاً همخوان /b/ حذف می‌شود و /â/ تبدیل به /ao/ یا /ou/ می‌شود. هر گاه هجای پس از آن واکهی /i/ داشته باشد، /â/ تبدیل به /ou/ یا /o/ می‌شود. قبل از واج‌های خیشومی /n/ و /m/ نیز به /o/ تبدیل می‌شود.

● ابدال واکهی /â/ به /a/

گاهی واکهی /â/ به /a/ تبدیل می‌شود.

● ابدال واکهٔ /ā/ به /a/

واژه فارسی معیار	آوانوشت فارسی	آوانوشت بختیاری ولری
آفتاب	āftāb	aftao
بابا	bābā	bave
واژه	آوانوشت فارسی	آوانوشت بختیاری

● ابدال واکهی /â/ به واکه‌های مرکب /ao/ یا /ou/

در گویش‌های لری و بختیاری، هر گاه پس از واکهی /â/، همخوان /b/ بیاید؛ /b/ حذف می‌شود و واکهی /â/ تبدیل به واکهی مرکب /ao/ یا /ou/ می‌شود. گاه نیز /b/ تبدیل به واکهی /v/ می‌شود.

فارسی معیار (آوانوشت)	بختیاری (آوانوشت)	لری (آوانوشت)
آب âb	ao	ao
آبستن âbestan	aovesa	aovesa

● ابدال /â/ به /ou/

در گویش‌های لری و بختیاری، هر گاه در هجای بعد از /â/ واکهی /i/ بیاید؛ واکهی /â/ به واکهی /ou/ تبدیل می‌شود. به ندرت نیز به واکهی /o/ بدل می‌شود. مثلاً در واژه‌ی 'bâzi' چون در هجای دوم /i/ آمده است؛ واکهی /â/ به /ou/ تبدیل می‌شود.

bouzi

/â/ پیش از همخوان /v/ و پس از /y/ نیز به /ou/ تبدیل می‌شود.

فارسی معیار (آوانوشت)	بختیاری (آوانوشت)	لری (آوانوشت)
آبادی âbâdi	obouði	obouði
آستین âstin	oftin	oftin

ابدال واکهی /â/ به /o/ یا /u/

در گویش‌های لری و بختیاری، هر گاه واکهی /â/ پیش از دو همخوان خیشومی /n/ و /m/ قرار بگیرد به /o/ یا /u/ تبدیل می‌شود. اگر همخوان /n/ در پایان واژه بیاید؛ بین گویش‌وران بختیاری و اندیمشکی معمولاً حذف می‌شود.

فارسی معیار (آوانوشت)	بختیاری (آوانوشت)	لری (آوانوشت)
آرام ârâm	arom	arom
آرمان ârmân	ormo	ormon

• ابدال در واکهی /a/

واکهی /a/ نیز گاه به /â/، گاهی به /ao/ یا /ou/، گاه به /e/ و گاه نیز به /o/ تبدیل می‌شود.
ابدال واکهی /a/ به /â/

واکهی /a/ گاهی به /â/ تبدیل می‌شود که البته این ابدال بسیار کم کاربرد است.

فارسی معیار (آوانوشت)	بختیاری (آوانوشت)	لری (آوانوشت)
ذرت zorat	zerât	zerât

واژه‌هایی که در گذشته با /xa/ شروع می‌شدند؛ نظیر (xardan) بین گویش‌وران با همان شکل بیان می‌شوند یا اینکه /v/ حذف شده و /xa/ تلفظ می‌شوند در صورتی که در فارسی معیار به صورت /xo/ می‌آیند. (xordan).

فارسی معیار (آوانوشت)	بختیاری (آوانوشت)	لری (آوانوشت)
خورد xord	hard	xard

• ابدال واکهی /ou/ به /ao/

واکهی /ou/ در برخی واژه‌ها بین گویش‌وران بختیاری و لری بهمی به /ao/ تبدیل می‌شود اما بین گویش‌وران لری اندیمشکی به همان شکل /ou/ می‌آید.

فارسی معیار (آوانوشت)	بختیاری (آوانوشت)	لری (آوانوشت)
جلو jolou	jelao	jelao

● ابدال واکهی /ey/ به /i/

واکهی مرکب /ey/ گاه بین گویش‌وران به واکهی ساده /i/ تبدیل می‌شود.

فارسی معیار (آوانوشت)	بختیاری (آوانوشت)	لری (آوانوشت)
غیرت qeyrat	qirat	qirat
قیمت qeymat	qimat	qimat

● ابدال واکهی /ey/ به /ay/

واکهی مرکب /ey/ معمولاً بین گویش‌وران بختیاری و لری بهمیی به /ay/ تبدیل می‌شود اما در گویش لری اندیمشکی دچار ابدال نمی‌شود و تغییر نمی‌کند.

فارسی معیار (آوانوشت)	بختیاری (آوانوشت)	لری (آوانوشت)
خیر xeyr	xayr	xayr
دین deyn	dayn	dayn

● ابدال همخوان‌ها

همخوان‌ها نیز همانند واکه‌ها دچار فرآیند ابدال می‌شوند. در این پژوهش سعی شده همخوان‌هایی که به خاطر ویژگی‌های مشترک به هم تبدیل می‌شوند در یک گروه آورده شوند.

ابدال در همخوان‌های /f/، /b/ و /v/ ابدال همخوان /f/ به /p/

فارسی معیار (آوانوشت)	بختیاری (آوانوشت)	لری (آوانوشت)
اسفناج esfanâj	espanâj	espanâj

ابدال در همخوان‌های /h/، /x/، /k/، /q/ و /g/

ابدال همخوان /h/ به /x/

همخوان /h/ به ندرت بین گویش‌وران به همخوان /x/ تبدیل می‌شود؛ اما ابدال همخوان /x/ به /h/ از ویژگی‌های بسیار رایج و گسترده‌ی گویش‌های لری و بختیاری است.

فارسی معیار (آوانوشت)	بختیاری (آوانوشت)	لری (آوانوشت)
بهتان bohtân	boxton	boxton
بهتر behtar	bextar	bextar

دلایل بروز فرایندهای واجی در گویش بختیاری

فرایندهای واجی همانند دیگر ابعاد زندگی بشر یک روند بدیهی را طی گذر زمان در خود می‌پذیرد. در واقع هیچ گویش یا زبانی را نمی‌توان یافت که از این دگرگونی‌ها در امان باشد. در فرایندهای ایجاد شده برخی به دلیل کم‌سوادی یا بی‌سوادی مردم و عدم آگاهی گویشوران از زبان معیار بروز می‌کند. مانند فرایند قلب و برخی ابدال‌ها. یکی دیگر از دلایل بروز فرایندها سیر زبان به سوی سادگی بیشتر است. به طور طبیعی زبان میل به ساده‌تر شدن و تلفظ روان واژه‌ها دارد. بسیاری از حذف‌هایی که در واژه‌ها روی می‌دهد تنها به همین دلیل است. همچنین فرایند ادغام برای ساده‌تر و کوتاه‌تر ادا شدن واژه صورت می‌گیرد. برخی از فرایندهای صورت گرفته با تاثیر از زبان‌های باستان و میانه ایران، به ویژه زبان پهلوی ساسانی بر این گویش بوده است که عبارتند از: در فرایند افزایش الفی که به ابتدای واژه افزوده می‌شود به تاثیر از زبان‌های ایرانی دوره میانه به ویژه پهلوی ساسانی است. این الف در واژه‌های فارسی امروزی دیده نمی‌شود. (مثال)

فارسی	بختیاری	پهلوی ساسانی
سفید	esp̄	spīt
شکست	eškast	škast

در زبان پهلوی واژه‌هایی وجود دارد که با ak پایان می‌پذیرند. در فارسی امروز، دیگر اثری از همخوان k نیست؛ /a/ نیز تبدیل به /e/ شده است. در گویش بختیاری تنها حذف شده و /a/ به همان صورت باقی مانده است.

فارسی	بختیاری	پهلوی ساسانی
زنده	Zenda	zīndak
مانند (بختیاری)	dogoli	dogolu (فارسی) (دوقلو)
(بختیاری)	sur	šur (فارسی) شور

قلب {فارسی}: قفل	(qofl) _____	(قس با بختیاری) {قلف} qolf
شخصیت	(šaxsiyat) _____	شخصیت (šaxsiyat)
عکس	(aks) _____	عسک (ask)
تاکسی	(taksi) _____	تاسکی (taski)
کبریت	(kebrit) _____	کریبت (kerbit)
ابدال: (فارسی) لگد	(lagad) _____	قس با بختیاری (لقد) laqad
تبدیل آوایی: مو	(mu) _____	می (mi)
پهلوی	(pahlu) _____	پهلی (pahli)

معمولاً واحدهای آوایی بر اثر همنشینی در ترکیب دستخوش تغییراتی می‌شوند که این نوع تغییرات را از دید گاه زبان‌شناسان فرایندهای آوایی می‌گویند و هر نوع دگرگونی را که روی نوع، محل و تعداد واج‌ها یا ساختمان هجا تأثیر پردازد فرایندهای واجی Phonemic.process می‌شماریم.

نتیجه‌گیری:

گویش‌های رایج در این مرز و بوم منابع بسیار ارزشمندی برای بررسی و شناخت ساختار آوایی و معنایی زبان‌های باستانی به شمار می‌روند. بدیهی است که هم زمان با تحولات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی گویش‌ها نیز همچون زبان‌ها دچار دگرگونی می‌شوند. گسترش تکنولوژی و رشد روز افزون وسایل ارتباط جمعی و پدیده مهاجرت روستاییان به شهرها، گویشوران از روی اجبار یا حتی میل، بیشتر از زبان معیار استفاده می‌کنند؛ در نتیجه این رویدادها گویش‌ها در معرض خطر نابودی قرار می‌گیرند. بنابراین ضروری است که با مطالعه و بررسی‌های پی در پی این گویش‌ها گرد آوری و ثبت شوند. از آن‌جا که گویش بختیاری و لری از کهن‌ترین گویش‌هاست، ثبت و نگهداری آن به ویژه از دید نگارنده که خود نیز یک گویشور است، ضروری به نظر می‌رسد.

کتابنامه:

- ۱- ابوالقاسمی، محسن ۱۳۷۳، تاریخ زبان فارسی، سمت، تهران
- ۲- ابوالقاسمی، م. (۱۳۷۵). راهنمای زبان های باستانی ایران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت). تهران
- ۳- افراشی، آزیتا. ۱۳۸۶. ساخت زبان فارسی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه انتشارات سمت، تهران
- ۴- امیر احمدیان، بهرام. ۱۳۸۷ پژوهشی درباره ایل بختیاری، نشر آگاه، تهران.
- ۵- باقری، مه‌ری، ۱۳۸۰ تاریخ زبان فارسی، قطره، تهران،
- ۶- رضایی باغ بیدی، حسن ۱۳۸۰، معرفی زبان ها و گویش های ایران، فرهنگستان زبان و دب فارسی، تهران
- ۷- زمردیان، رضا. ۱۳۷۹. راهنمای گرد آوری و توصیف گویش‌ها، مشهد: نشر دانشگاه فردوسی مشهد
- ۸- سارلی، ناصر. ۱۳۸۷. زبان فارسی معیار، انتشارات هرمس، تهران.
- ۹- سرلک، رضا. ۱۳۸۱. واژه نامه گویش بختیاری، تهران: نشر آثار.
- ۱۰- فاضلی، محمد تقی ۱۳۸۵، فرهنگ گویش شوشتری، پازینه، تهران
- ۱۱- صفوی، کوروش. ۱۳۶۰ در آمدی بر زبان شناسی، تهران: انتشارات بنگاه و ترجمه و نشر کتاب.
- ۱۲- لایارد سراوستن هنری و دیگران. ۱۳۷۱ سیری در قلمرو بختیاری و عشایر بومی خوزستان، برگردان مهرباب امیری، نشر فرهنگ سرا، تهران
- ۱۳ مددی، ظهراب ۱۳۷۵، واژه نامه زبان بختیاری، ج ۱ آیات، اهواز.

